



عدالت و الگوی مصرف/ نقش اصلاح الگوی مصرف در تحقق عدالت

از نمودهای بارز اصل عدالت در مصرف، لزوم رعایت اعتدال و میانه‌روی است. قرآن کریم بر رعایت میانه‌روی در هزینه‌های زندگی تأکید فرموده است:

از نمودهای بارز اصل عدالت در مصرف، لزوم رعایت اعتدال و میانه‌روی است. قرآن کریم بر رعایت میانه‌روی در هزینه‌های زندگی تأکید فرموده است: «و کسانی که هر گاه انفاق کنند، نه اسراف می نمایند و نه سخت‌گیری بلکه در میان این دو، حد اعتدالی دارند». مراد از انفاق در این آیه، به دلیل اطلاق و نیز روایت ذیل، هزینه کردن برای زندگی است.

به گزارش خبرگزاری مهر، الگوی مصرف از دیدگاه آموزه‌های اسلامی، بر اساس اصول و معیارهایی چند ارائه می‌گردد که از مهم‌ترین آن‌ها، اصل عدالت است. هدف از این نوشتار، بیان نقش عدالت در نظام‌واره‌ی الگوی مصرف از دیدگاه آموزه‌های اقتصادی اسلام است. از این روی نویسنده مواردی از جایگاه این اصل در الگوی مصرف مورد تحلیل قرار می‌دهد؛ از جمله: نقش عدالت در تعیین سطح مطلوب تأمین نیازمندی‌ها، عدالت در توجه به اولویت‌ها، عدالت در اصل تقدیر معیشت، اصل اعتدال در مصرف، عدالت اجتماعی و حفظ حقوق معنوی افراد در مصرف، اصل انفاق بخشی از مازاد درآمد در راستای تحقق عدالت اقتصادی، نقد «برابری» به جای «عدالت» با توجه به اصل رعایت متغیرها، و الگوی ویژه حاکمان بر اساس عدالت. اکنون اصل این مقاله را با هم می‌خوانیم:

نگاهی به جایگاه عدالت

جهان هستی بر پایه‌ی عدل استوار است¹ و نظام تشریع نیز همسو با نظام تکوین، بر همین اصل پایه‌ریزی شده است. قرآن کریم، هدف از رسالت پیامبران را، برپایی «قسط» دانسته و همه را به عدل و دادگری، فرمان داده است: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَ أُنْزِلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَ الْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»²: به راستی [ما] پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آن‌ها کتاب و ترازو را فرود آوردیم تا مردم به عدالت برخیزند»³. روایات نیز، عدالت را «وسیله‌ی سنجش الهی در زمین»⁴، «قوام مردم» و «حیات احکام» دانسته‌اند. تأکیدی که قرآن و روایات بر اصل عدالت کرده‌اند به گونه‌ای است که آن را از محدوده‌ی یک حکم فرعی یا توصیه‌ی اخلاقی خارج نموده و «اصل» خدشه‌ناپذیر و ثابتی ساخته است⁵.

نمودهای اصل عدالت در مصرف

مهم‌ترین نمودهای اصل عدالت در مصرف، چنان است که می‌آید.

عدالت در تعیین سطح نیازها

در آموزه‌های اسلامی بر پایه‌ی اصل عدالت، بر تأمین نیازهای رفاهی تمام انسان‌ها تأکید شده است⁶. بر این اساس، آنچه بایستی در سطح مطلوب تأمین نیازها در نظر گرفته شود عبارت است از:

1. اکتفا به حد ضرورت و حداقل در تأمین نیازها، جز در مواردی خاص (همچون سطح زندگی حاکمان و نیز فقر اختیاری در شرایط بحران اقتصادی و مانند آن)، مطلوبیت ندارد بلکه گاه، مجاز نیز نمی‌باشد؛
2. حد در طرف حداکثر، تا به آنجاست که به اسراف و اتراف منتهی نگردد؛

3. سطح مطلوب برای عموم مردم، حدی است که رفاه و آسایش زندگی را به میزان متعارف و معمول، تأمین نماید.

بدین‌سان، عدالت در مصرف محقق می‌گردد. اکنون به اختصار توضیحی پیرامون نکات یاد شده بیان می‌گردد.

در مورد نکته‌ی نخست، می‌توان به چند دسته از آیات و روایات استناد کرد: آیاتی که نعمت‌های متعدد الهی را برمی‌شمارد و بر بهره‌گیری از آن‌ها و تأمین رفاه و آسایش نسبی در زندگی تأکید فرموده‌اند، به گونه‌ای مصرف فراتر از حداقل‌ها را نشان می‌دهند⁷. منظره‌ی امام صادق (ع) با جمعی از صوفیه که می‌پنداشتند مصرف بایستی در حد ضرورت باشد⁸ و نیز منظره ابن عباس با خوارج که از سوی علی (ع) به سوی آنان فرستاده شد بود⁹. همچنین روایاتی که بر مرغوبیت کالاهای مصرفی، لذیذ بودن غذاها¹⁰، لباس زیبا¹¹، وسیع بودن منزل مسکونی و راهوار بودن مرکب¹² و نیز گشایش در زندگی¹³ تأکید کرده‌اند. روایاتی نیز بر لزوم تأمین فقیر تا حد رسیدن به سطح معیشتی مناسب و توأم با رفاه نسبی تأکید می‌کنند¹⁴.

در مورد نکته‌ی دوم، یعنی نرسیدن سطح مصرف به حد اسراف و اتراف، آیات (برای نمونه: اعراف، آیه‌ی 31؛ اسراء، آیه‌ی 27-26؛ سبا، آیه‌ی 34؛ واقعه، آیه‌ی 45-41) و روایات (برای نمونه: کلینی، 1367، ج 4: 52 و، ج 6: 441) فراوانی وجود دارد.

در مورد نکته‌ی سوم، یعنی تعیین سطح مطلوب مصرف، آنچه از آیات و روایات در این باره بر می‌آید، نقش مؤثر عرف و شرایط اقتصادی عموم مردم است: «وَ عَلَى الْمُؤَلَّدِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَ كِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ»¹⁵: و خوراک و پوشاک آنان [مادران]، به طور شایسته، بر عهده‌ی پدر است». برخی مستندات حدیثی نیز، حاکم بودن عرف و عادت را در تعیین چند و چون کالاهای مصرفی، ثابت می‌کنند. از جمله: شخصی درباره علت تفاوت نوع لباس امام صادق (ع) با لباس علی ابن ابی طالب (ع) پرسید. امام فرمود: علی ابن ابی طالب (ع) آن را در زمانی می‌پوشید که نامأنوس نبود، ... فخر لباس کل زمان لباس اهل: بهترین لباس هر زمانی، لباس همان زمان است¹⁶.

لیک بر اساس اصل عدالت، حد عرف محدود به آن است که به اسراف و تبذیر منتهی نگردد و آدمی را به سمت مصرف‌زدگی و هزینه‌های بی‌مورد سوق ندهد.

اصل عدالت در توجه به اولویت‌ها

نمود دیگر اصل عدالت در مصرف، لزوم توجه به اولویت‌ها در تخصیص درآمد است. تعیین اولویت‌های تخصیص درآمد، از دو جنبه ارزیابی می‌شود:

- نخست، از نظر نوع و مقدار کالاهای مصرفی و خدمات. بی‌گمان تا زمانی که نیازهای اساسی فرد و جامعه به شایستگی برآورده نشود، نوبت به مصارف رفاهی و کالاهای تجملاتی نمی‌رسد؛ چه، عدالت به معنای پیش گفته ی خود، اقتضا می‌کند که هر چیز، در جای خود قرار گیرد؛

- دوم، تعیین اولویت‌ها بر اساس افراد و گروه‌های مصرف‌کننده. بر اساس آموزه‌های دینی، در شرایط عادی، تأمین نیازمندی‌های شخصی انسان، در اولویت است. سپس، رفع نیازهای پدر و مادر، فرزند، همسر و آگاه خویشاوندان نیازمند و سپس سایر نیازمندان و نیز مشارکت در خدمات اجتماعی و امور خیریه، در مراحل بعدی جای می‌گیرد¹⁷.

اصل عدالت و تقدیر معیشت

از اصول مهم اسلامی در مصرف، تدبیر امور اقتصادی و انضباط مالی است که با عنوان «تقدیر معیشت» مطرح می‌شود و اصل عدالت نقش مهمی در آن دارد. تقدیر معیشت در واقع برنامه‌ریزی صحیح و واقع‌بینانه است تا استفاده از امکانات مالی برای تأمین نیازها و رفاه نسبی، هرچه بیشتر و بهتر انجام گیرد. در روایات، بر این اصل اسلامی تأکید شده است¹⁸.

تقدیر معیشت، دست‌کم بر سه پایه‌ی بنیادین استوار است:

الف. توجه به نیازمندی‌های جسمی و روحی و اولویت‌بندی آن که در بحث پیشین، یاد گردید؛

ب. تناسب درآمد با هزینه‌ها. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «لِيَتَفَقَّ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ وَ مَنْ قَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيَتَفَقَّ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يَكْتِفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا...»¹⁹؛ «بر توانگر است که از دارایی خود هزینه کند، و هر که روزی او تنگ باشد، باید از آنچه خدا به او داده است، خرج کند. خدا هیچ‌کس را جز [به قدر] آنچه به او داده است تکلیف نمی‌کند»²⁰؛

ج. شرایط اقتصادی جامعه و عموم مردم. در تقدیر معیشت، به شرایط اقتصادی عمومی نیز باید توجه شود و بدین‌سان، نقش عدالت در الگوی مصرف، نمود روشن‌تری می‌یابد. بدین معنا که شرایط نامناسب اقتصادی جامعه، بایستی بر نوع و مقدار کالاهای مصرفی و چگونگی تخصیص درآمد فرد، تأثیرگذار باشد، حتی در صورتی که وی از وضعیت مطلوبی برخوردار بوده و شرایط دشوار اقتصادی جامعه، تأثیری بر او نگذارد²¹.

اصل عدالت و میانه روی

از نمودهای بارز اصل عدالت در مصرف، لزوم رعایت اعتدال و میانه‌روی است. قرآن کریم بر رعایت میانه‌روی در هزینه‌های زندگی تأکید فرموده است: «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَ كَانَتْ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا»²²؛ و کسانی که هر گاه انفاق کنند، نه اسراف می‌نمایند و نه سخت‌گیری بلکه در میان این دو، حد اعتدالی دارند». مراد از انفاق در این آیه، به دلیل اطلاق و نیز روایت ذیل، هزینه کردن برای زندگی است؛ شخصی از حضرت رضا(ع) در مورد چگونگی تأمین نیازهای خانواده پرسید. امام(ع) فرمود: «بین دو کار ناپسند قرار دارد ... آیا نمی‌دانی که خداوند زیاده‌روی و سخت‌گیری را ناپسند دانست و فرمود: و الَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا...»²³.

برای تعیین حد وسط در مصرف، دست‌کم دو معیار اساسی وجود دارد: یک، «نیاز» آدمی به امکانات مادی و کالاهای مصرفی²⁴؛ دو، شرایط زمان. این معیار از دو جهت بر تعیین حد میانه تأثیر دارد: نخست شرایط اقتصادی جامعه و وضعیت معیشت مردم²⁵ و دوم توجه به آداب و رسوم مشروع جامعه²⁶.

آیا ساده‌زیستی با عدالت در مصرف منافات دارد؟

از اصول و ارزش‌های حاکم بر مصرف، اصل ساده‌زیستی است²⁷. لیک آیا این اصل به معنای تشویق به تفریط در مصرف است تا با اصل عدالت در مصرف منافات داشته باشد؟ تبیین این مطلب نیازمند تحلیل حد و مرز ساده‌زیستی است. چه، ساده‌زیستی حد و مرزی دارد و فراتر از آن، ضدارزش تلقی می‌گردد. حد ساده‌زیستی عبارتند از:

1. ساده‌زیستی، نباید حلالی را حرام کند یا خلاف سنت باشد: «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ»²⁸؛ «[ای پیامبر] بگو: زیورهای را که خدا برای بندگان پدید آورده و [نیز] روزی‌های پاکیزه را چه کسی حرام گردانیده؟»²⁹؛

2. افراط در ساده‌زیستی ممنوع است؛ چه، رهبانیت و ترک دنیا و امکانات مادی به‌طور کلی ممنوعیت دارد: «... وَ رَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا»³⁰؛ و [اما] ترک دنیایی که از پیش خود درآوردند ما آن را بر ایشان مقرر نکردیم مگر برای آنکه کسب خشنودی خدا کنند، با این حال آن را چنان که حق رعایت آن بود منظور نداشتند». نیز از امام صادق(ع) روایت شده که در توصیف دین اسلام فرمود: «لارهبانیه ... احل فیها الطیبات ...»³¹؛ [در اسلام] رهبانیتی نیست... [بلکه] روزی‌های پاک حلال شده است»؛

3. ساده‌زیستی نباید عزت و آبروی فرد در اجتماع را خدشه‌دار سازد؛

4. ساده‌زیستی برای خود فرد مطلوبیت دارد، نه برای میهمانان او. بنابراین، در پذیرایی از میهمان، بایستی در حد متعارف، هزینه نمود³².

5. در پاره‌ای از مراتب ساده‌زیستی، ظرفیت روحی و ایمانی افراد نیز، تعیین‌کننده است. بدین معنا که ممکن است مصرف کالاها و امکانات کمتر از حد متعارف برای فردی که از ظرفیت بالای جسمی و روحی و نیز قدرت ایمان و معرفت برخوردار است،

پله ترقی و کمال باشد؛ لیک برای فردی که از این ویژگی‌ها برخوردار نمی‌باشد، نتیجه‌ای جز سرخوردگی و ضعف بیشتر ایمان، به همراه نداشته باشد³³.

با توجه به حدود که یاد شد، می‌توان مفهوم صحیح ساده‌زیستی را در دو بُعد روانی و رفتاری این گونه بیان نمود:

الف. از نگاه روان‌شناختی، قناعت و رضایت‌مندی را برای شخص به ارمغان می‌آورد؛ به گونه‌ای که با وجود مصرف اندک، از زندگی لذت می‌برد، هرچند ثروتی نداشته باشد³⁴؛

ب. در بُعد رفتاری، ساده‌زیستی در موارد ذیل مصداق می‌یابد:

1. ساده‌زیستی مطلوب برای عموم مردم آن است که در محدوده‌ی اعتدال، به مصرف کمتر، بسنده شود و در عین حال، افراط و تفریطی رخ ندهد. این مطلب، از جمع میان ادله‌ی اعتدال و ادله‌ی قناعت، دریافت می‌شود؛

2. پرهیز از مصارف زائد، تشریفاتی و تجملاتی، از دیگر نمودهای ساده‌زیستی است که به نظر می‌رسد بارزترین آن‌ها نیز می‌باشد³⁵؛

3. نمود دیگر ساده‌زیستی، نفی خرید و مصرف کالاها با زیر بار ذلت رفتن و خوار شدن است³⁶.

تعارض ایثار با میانه‌روی

آموزه‌های دینی، از یک سو به رعایت میانه‌روی فرمان داده‌اند و از سوی دیگر، ایثار مالی را در سخت‌ترین شرایط، ستایش کرده‌اند. این تعارض چگونه برطرف و با اصل عدالت چگونه سازگار می‌شود؟ در پاسخ این سؤال، وجوهی یاد شده که قابل نقد است³⁷. لیک پاسخ‌های ذیل مناسب‌تر به نظر می‌رسد:

1. دستور به اعتدال در جایی است که بخشش فراوان، سبب نابسامانی‌های فوق‌العاده‌ای در زندگی خود انسان گردد و به تعبیر قرآن، آدمی، بدین‌سان «ملوم و محسور»³⁸ شود؛

2. پاسخ مناسب دیگر این است که رعایت اعتدال، حکمی عام و ایثار، حکمی خاص می‌باشد که مربوط به موارد معینی است. چرا که عدالت، با همه قدرت و شکوه و تأثیر عمیقش، در مواقع بحرانی و استثنایی به تنهایی کارساز نیست، بلکه ایثار و گذشت و فداکاری نیز لازم است³⁹. بدین ترتیب، عدل و اعتدال مبنای زندگی عمومی قرار می‌گیرد و احوال مردم بدان انتظام می‌یابد و ایثار و احسان، حالتی استثنایی است که در مواقع خاص انجام می‌گیرد⁴⁰؛

3. توجه به سطح نیازها نیز کارگشا است: هرگاه نیاز شخص، بیش از دیگران و درآمد محدود وی تنها پاسخگوی نیازهای اساسی خودش باشد، مصارف شخصی بر هزینه کردن برای دیگران اولویت دارد. در چنین شرایطی، در واقع انجام یک واجب (تأمین نیازهای فرد و خانواده‌اش) با یک فضیلت اخلاقی (ایثار) تزامن می‌یابند. نیک روشن است که انجام واجب مقدم می‌باشد. لیک از آنجا که بهره‌مندی از امکانات، یک «حق» است، هر فردی می‌تواند از حق خویش به سود دیگران بگذرد. امام صادق (ع) می‌فرماید: «در کاری که زیانش بر تو، بیشتر از سود آن برای برادرت است، وارد نشو»⁴¹. همچنین، قرآن کریم در پاسخ به این پرسش که از چه اموالی انفاق کنند، مازاد بر درآمد را بیان فرموده است: «وَيَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ»⁴²: و از تو می‌پرسند: «چه چیزی انفاق کنند؟» بگو: «ما زاد [بر نیازمندی خود] را». امام باقر (ع) فرمود: «عفو چیزی است که از هزینه سال، اضافه آید»⁴³. یعنی آدمی موظف است آن بخش از اموال را انفاق کند که زائد بر نیازمندی‌های خود و خانواده‌اش باشد. روایاتی دیگر نیز مؤید این مدعا است⁴⁴.

اصل عدالت و انفاق بخشی از مازاد درآمد

نمود دیگر اصل عدالت در مصرف، انفاق بخشی از مازاد درآمد در راه خدا است تا امکان بهره‌مندی محرومان از نعمت‌ها و زمینه‌ی تحقق عدالت اجتماعی فراهم آید. در قرآن کریم، بیش از 190 آیه (حدود 3 درصد کل آیات) به این موضوع اختصاص یافته است که اهمیت آن را می‌رساند.

از آموزه‌های دینی چنین بر می‌آید که انفاق در فرهنگ اسلامی، دو هدف را دنبال می‌کند: الف- ایجاد عدالت اجتماعی و توازن اقتصادی، کاهش فاصله‌ی طبقاتی و تأمین رفاه نسبی محرومان⁴⁵؛ ب- پالایش اخلاقی و پرورش فضایل انسانی انفاق‌کننده. بر این اساس، هدف از انفاق تنها تأمین نیازهای محرومان نیست، بلکه به تهذیب نفس و رشد معنوی انفاق‌کننده نیز توجه کامل می‌شود⁴⁶.

اصل عدالت و توجه به متغیرها؛ نفی تساوی به نام عدالت

عدالت به معنای تساوی نیست و اصل عدالت اقتضا می‌کند که چند و چون مصرف بر اساس متغیرهایی چند تفاوت یابد؛ از جمله: تفاوت به تناسب سن و سال⁴⁷، فصل‌های مختلف سال و آب و هوای مناطق مختلف جغرافیایی⁴⁸، حریم خصوصی و عمومی⁴⁹ و زمان‌های ویژه همچون اعیاد⁵⁰.

عدالت اجتماعی و حفظ حقوق معنوی افراد در مصرف

در فرهنگ مصرف‌گرایی مترفان، مصرف هم ارزش مادی دارد و هم ارزش نمادین؛ بدین معنا که مصرف، وسیله‌ای می‌گردد برای ابراز وجود و به‌دست آوردن هویت اجتماعی⁵¹. این در حالی است که بر اساس آموزه‌های دینی، مصرف کالاها و امکانات، بایستی صرفاً به منظور رفع نیازها باشد و نه به هدف خودنمایی و فخر فروشی. چه، این کار، افزون بر آن که خود رذیلتی اخلاقی و نشانه رشدنایافتگی شخصیت آدمی و گاه احساس حقارت درونی⁵² است، پیامدهای قرآن کریم، از قارون به عنوان نماد فخر فروشی در مصرف، سخت نکوهش فرموده است⁵³.

اصل عدالت در الگوی مصرف ویژه‌ی حاکمان

از دیگر نمودهای عدالت در مصرف، الگوی مصرف ویژه‌ی حاکمان است. بر خلاف نظام اقتصادی سرمایه‌داری و نظام‌های مبتنی بر زور، ثروت و قدرت در طول تاریخ که پیوسته حاکمان و زمامداران، از برخوردارترین و مرفه‌ترین اقشار در جامعه بوده و هستند، در نظام اقتصادی اسلام، حاکمان و کسانی که در رأس امور قرار دارند، بایستی الگوی مصرفی مشابه کم‌درآمدترین اقشار جامعه داشته باشند، تا از یک‌سوی درد محرومان را لمس نمایند و از دیگر سویی، آرامشی روانی برای آنان ایجاد نمایند⁵⁴.

نقش اصلاح الگوی مصرف در تحقق عدالت

عدالت و الگوی مصرف صحیح، تأثیری دو سویه دارند؛ همان گونه که اصل عدالت در تعیین الگوی مصرف نقشی اساسی دارد، الگوی مصرف بهینه نیز در تحقق عدالت اقتصادی و اجتماعی تأثیری آشکار دارد؛ جامعه‌ای که در مصارف گوناگون خود اعم از تغذیه، پوشاک، حامل‌های انرژی و وسایل زندگی، جانب عدل و اعتدال را رعایت نماید، سرمایه‌های خصوصی و عمومی و منابع خود را از هدر رفت محفوظ می‌دارد و رشد اقتصادی و ثروت ملی را که زمینه‌ی تحقق عدالت اقتصادی است، افزایش می‌دهد.

*نویسنده: حجت الاسلام والمسلمین جواد ایروانی، استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم اسلامی رضوی

پی‌نوشت:

- 1- فیض کاشانی، 1416، ج5: 107.
- 2- حدید، آیه ی 25.
- 3- نیز نك: نحل، آیه ی 90.
- 4- واسطی، 1376: 150.
- 5- نك: مطهری، 1381، ج1: 61.
- 6- نك: اعراف، آیات 10 و 32؛ کلینی، 1367: ج6، ص526؛ ج3، صص 556 و 560؛ ج4، ص11.
- 7- نك: اعراف، آیه ی 32؛ نحل، آیات 5-8.
- 8- کلینی، 1367، ج5: 70-65؛ همان، ج6: 442.
- 9- همان: 441-442.
- 10- همان: 280.
- 11- همان: 443.
- 12- صدوق، 1403: 183.
- 13- کلینی، 1367، ج4: 11.
- 14- همان، ج3: 556.
- 15- بقره، آیه ی 233.
- 16- کلینی، 1367، ج1: 411.
- 17- نك: طوسی، 1365، تهذیب الاحکام، ج6: 171؛ بحرانی، بی تا، ج25: 130؛ شهید ثانی، 1413، ج1: 483؛ سجستانی، 1410، ج2: 240؛ نسائی، 1348، ج7: 304.
- 18- حرّانی، 1404: ص105.
- 19- طلاق، آیه ی 7.
- 20- نیز نك: بقره: 236؛ طلاق، آیه ی 6؛ کلینی، 1367، ج4: 56.
- 21- نك: کلینی، 1367، ج5: 166.
- 22- فرقان، آیه ی 67.
- 23- صدوق، 1403: 54-55؛ نیز نك: کلینی، 1367، ج4: 55؛ حرّ عاملی، 1403، ج8: 366؛ نجفی، 1365، ج31: 339.
- 24- نك: کلینی، 1367، ج4: 53.
- 25- نك: کلینی، 1367، ج6: 442؛ نهج‌البلاغه: نامه‌ی 45.
- 26- نك: کلینی، 1367، ج1: 411؛ مجلسی، 1403، ج76: 309.
- 27- برای نمونه نك: احزاب، آیه ی 28؛ کلینی، 1367، ج2: 133؛ نهج‌البلاغه: خطبه ی 159.
- 28- اعراف، آیه ی 32.
- 29- نیز نك: کلینی، 1367، ج5: 70.
- 30- حدید، آیه ی 27.
- 31- کلینی، 1367، ج2: 17.
- 32- نك: هود، آیه ی 69؛ کلینی، 1367، ج6: 328.
- 33- نك: کلینی، 1367، ج6: 448.
- 34- نك: مجلسی، 1403، ج1: 83. نیز نك: درنینگ، 1376: 23-31.

- 35- نك: مجلسي، 1403، ج 75: 349.
- 36- نك: نهج البلاغه: نامه ی 3.
- 37- نك: اردبيلي، بي‌تا: 199؛ ابن قدامه، بي‌تا، ج 2: 607؛ مجلسی، 1403، ج 74: 250.
- 38- اسراء، آيه ی 29.
- 39- نك: همان، ج 11: 367-368؛ همان، ج 12: 98.
- 40- نك: نهج البلاغه: حكمت 429.
- 41- كليني، 1367، ج 4: 32.
- 42- بقره، آيه ی 219.
- 43- طبرسي، 1406، ج 2: 558.
- 44- كليني، 1367، ج 4: 18، 26 و 46.
- 45- نك: كليني، 1367، ج 3: 556.
- 46- بقره، آيه ی 265؛ توبه، آيه ی 103.
- 47- كليني، 1367، ج 6: 288؛ برقي، بی تا، ج 2: 4.
- 48- نك: كليني، 1367، ج 6: 451؛ شهيد ثانی، 1413، ج 8: 461؛ بحراني، بی تا، ج 25: 123؛ نجفي، 1365، ج 31: 304 و 334.
- 49- صدوق، 1404، عيون اخبار الرضا(ع)، ج 2: 178؛ حر عاملي، 1403، ج 14: 118 و 183.
- 50- كليني، 1367، ج 5: 512.
- 51- نك: گل محمدي، 1381، 106.
- 52- كليني، 1367، ج 2: 312.
- 53- قصص، آيه ی 76 و 79-82؛ نیز: صدوق، 1404، ج 4: 13.
- 54- نك: نهج البلاغه: خطبه ی 209 و نامه ی 45؛ كلینی، 1367، ج 1: 410.
- *منبع: فصلنامه علوم انسانی اسلامی صدرا، شماره 10.